

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

نگاهی به :

(کودکان و دانش آموزان ناشنوا)

افراد ناشنوا قادرند بیاموزند که صحبت کنند

و با همه افراد ارتباط برقرار نمایند

آشنایی با کودکان و دانش آموزان ناشنوا و نیمه شنوا

کودکان و دانش آموزان ناشنوا اگر چه در حقیقت به خاطر نقص شنوایی از نظر رشد کلی (رشد هوشی) عموماً از دانش آموزان نابینا ضعیف تر هستند ، اما مانند آنان بسهولت قابل تشخیص و شناسایی نیستند . از جمله مشکلات اساسی آنان در زمینه گویایی است .

اختلالات گویایی نتیجه ای است از نقص شنوایی ، البته بجز در مواردی که اختلالی در دستگاه صوتی فرد بوجود می آید . دانش آموزان ناشنوا نه تنها از نظر رشد عمومی ضعیف هستند بلکه در طول زندگی از نظر مهارت های برقراری ارتباط زبانی ، مانند

درک مفاهیم و معانی کلمات ، صحبت کردن ، خواندن و نوشتن همواره دچار اشکال عمده و کندی قابل ملاحظه ای هستند . از آنجایی که زبان عامل مهمی است در بر

قراری روابط اجتماعی و آموزش و یاد گیری علوم مختلف ، بدیهی است که مشکل دانش آموزان ناشنوا به مراتب بیشتر از صرف نقص حس شنوایی است . البته کودکانی

که بطور موقت شنوایی خود را از دست می دهند و یا آنانی که با استفاده از وسایل کمک شنوایی از قبیل سمعک نقص شنوایی خود را جبران می نمایند ، چندان نیاز به

معلم و آموزش و پرورش استثنایی ندارند . لازم است اولیای چنین کودکانی به شیوه ای مطلوب راهنمایی شوند تا از مراقبت های لازم پزشکی و خدمات سنجش شنوایی و

غیره بهره مند گردند . در هر حال در کلاس درس نیز باید تسهیلات ضروری جهت سازگاری هر چه بیشتر دانش آموز فراهم گردد . معمولاً در حدود ۵ درصد از کل

کودکان سنین مدرسه رو در مقایسه با دیگر کودکان به نحوی دارای درجاتی از

نارسایی های شنوایی هستند ، از این گروه ۵ در صد ، در هر ده نفر یک یا دو نفر می
بایست تحت پوشش آموزش و پرورش استثنایی قرار گیرند . در برنامه های آموزشی
و پرورشی و درمانی دانش آموزان ناشنوا، همکاری های همه جانبه مسئولان
و متخصصان مختلف از جمله اولیاء ، پزشکان ، روانپزشکان و معلمان ویژه گفتار درمانی
و ... ضروری است .

تعریف ناشنوایی

تا کنون تعریف دقیق و جامع و مانع و قابل قبول برای کلیه مراجع ذیصلاح ناشنوایی
ارائه نگردیده است . علت فقدان چنین تعریفی از این بابت است که ناشنوایی تا حدود
زیادی یک امر فردی است . به عبارت ، دیگر سن وقوع ناشنوایی علت ناشنوایی ، نوع
ناشنوایی و میزان و درجه اختلال شنوایی از جمله عوامل بسیار مهمی در تعریف
ناشنوایی و افراد ناشنوا محسوب گشته و نقش فوق العاده در برنامه ریزی های آموزشی
دارند . در واقع برای آنکه از عهده یک برنامه ریزی صحیح و مناسب برای گروهی از
دانش آموزان بخوبی فائق آئیم ، لاجرم می بایست فرد فرد آنان را به طور جداگانه و
کامل مورد ارزیابی قرار دهیم . به عنوان مثال دانش آموزی که از زمان تولد و یا قبل از
سنین سخن گفتن ناشنواست و کمترین تجربه زبانی ندارد با دیگر دانش آموزی که
پس از آنکه مدتها می گوید و می شنود و مهارتهای زبانی را به طور طبیعی کسب می
نماید و آنگاه دچار نقص شنوایی می گردد کاملاً با هم متفاوت بوده و این تفاوت در
برنامه ریزی های آموزشی آنان فوق العاده دخیل است . اما به طور کلی می توان گفت

که افراد ناشنوا کسانی هستند که از حس شنوایی خود در زندگی بهره ای نمی گیرند و افراد نیمه شنوا کسانی هستند که با آنکه حس شنوایی آنان دارای اختلالاتی می باشند ولی در هر حال با سمعک و یا بدون سمعک تا حدودی می تواند از این حس استفاده کنند .

کودکان و دانش آموزان نیمه شنوا به دلیل آنکه نارسایی شنوایی آنان با درجات مختلفی (از تخفیف تا شدید) می باشد معمولاً قادرند با استفاده و یا بدون استفاده از وسایل کمک شنوایی از زبان بهرمنند گردند و از طریق شنوایی قادر به صحبت کردن هم باشند اما در مقابل دانش آموزی که کاملاً ناشنواست با بهترین وسایل کمک آموزشی نیز قادر به توسعه زبان و مکالمه و صحبت کردن بطور همزمان نخواهد بود .

در هر حال افراد ناشنوا قادرند بیاموزند که صحبت کنند .

علل وانواع ناشنوایی

دانستن علل ناشنوایی و انواع مختلف آن از این جهت اهمیت دارد که ممکن است در امر آموزش و درمان و توانبخشی بعضی از کودکان و دانش آموزان ناشنوا مفید فایده واقع گردد .

اختلالات شنوایی ممکن است مربوط به گوش خارجی یا گوش میانی و یا گوش داخلی باشد اختلال شنوایی را ممکن است از نظر شدت وضعف به ناشنوایی کامل ، نیمه شنوایی وسخت شنوایی تقسیم نمود . به طور کلی اختلالات شنوایی را می توان به دو

گروه عمده بشرح زیر تقسیم نمود که هر یک به گروه کوچکتر قابل تقسیم است و برای هر گروه علل مختلفی ممکن است سبب اختلال ناشنوایی باشد .

۱- ناشنوایی انتقالی

در این نوع از اختلال شنوایی ، گوش میانی که مسئولیت انتقال صدا می باشد معیوب است . معمولا این نوع ناشنوایی مطلق نیست و فقط شخص قسمتی از شنوایی خود را از دست می دهد . علل آن ممکن است بیماریهای مجرای گوش ، بیماریهای پرده صماخ ، بیماریهای گوش میانی ، ضربه ها وامثال آن باشد .

۲- ناشنوایی ادراکی یا عصبی

این نوع ناشنوایی مربوط به گوش داخلی وسلول های شنوایی است . به نحوی که سلول حسی از ادراک و احساس صدا عاجز است . این نوع نقص شنوایی ارثی و یا مادرزادی است . علل عمده آن عبارتند از : سیفلیس ارثی ، همخونی ، سرخجه ، الکلیسم ، سل ، بد شکلی اعضای شنوایی ، صدمات وجراحات دوران جنینی ، تولد نارس مسمومیت های مادر در هنگام بارداری ویا استعمال برخی داروهای مضر در زمان بارداری . و یا اکتسابی است که علل آن عبارت است از : صدمات وارد بر کودک در هنگام تولد ، صدمات وجراحات بعد از تولد ، عفونت های موضعی ، مثل ورم گوش ، عفونت های عمومی مانند مننژیت و مسمومیت های بخصوص با اکسید دو کربن . همچنین در موارد

بسیار نادر ناشنوایی آمیخته (انتقالی و عصبی) در اثر بیماری های توام گوش میانی و گوش داخلی عارض می گردد .

از نظر پزشکی ، امکانات درمانی ، با روشهای جراحی و غیره عمدتاً برای معالجه و بهبود ناشنوایی های انتقالی بیشتر است اما در قالب موارد تا کنون ، پزشکی بویژه در مورد ناشنوایی عصبی و ادراکی موفقیت چندانی نداشته است . تعبیه و تنظیم لوازم کمک شنوایی مانند گوشی های مخصوص برای ناشنوایی های عصبی و ادراکی بسیار مشکل تر از ناشنوایی های انتقالی .

اختلالات شنوایی در کلاس های عادی و وظیفه استادان

همان گونه که قبلاً اشاره شد با توجه به اینکه به طور کلی حدود ۵ درصد از تمامی کودکان و دانش آموزان سنین مدرسه رو در هر جامعه (سنین ۶الی ۱۷ سال و یا ۷ الی ۱۸ سال) به نحوی دارای اختلالات شنوایی هستند ، تعداد قابل توجهی از این کودکان در مدارس و کلاس های عادی جای گرفته اند . نگاهی به تعداد کل دانش آموزان ناشنوا و نیمه شنوا که تحت پوشش رسمی آموزش استثنایی قرار گرفته است بیانگر این حقیقت است که بقیه یا به کلاس های عادی راه یافته اند و یا آنکه اصل در هیچ مدرسه ای عادی یا استثنایی ثبت نام نکرده و از آموزش و پرورش بهره ای نمی برند . لذا معلمان مدارس عادی همواره باید با این فرض در کلاسهای خود حضور یابند که به احتمال زیاد در میان شاگردان یک کلاس ۵۰-۴۰ نفری ممکن است شاگرد یا شاگردانی باشند که بسختی می شنوند (و یا دچار نارسایی های بصری و یا ذهنی

هستند و ...) بنابراین ضروری است که معلم کلاس در این زمینه ها با بررسی و ارزیابی ساده و کلاسی به حضور احتمالی چنین دانش آموزانی پی برده و به روابط و رفتار و قضاوت خود پیرامون استعداد و ویژگیهای مختلف شاگرد و یا شاگردان حتی الامکان اطمینان حاصل نماید .

همواره راههای زیادی است که می توان بهوسیله آنها قدرت شنوایی شاگردان را ارزیابی نمود . بعضی از این روشها بسیار ساده و ابتدایی است و بعضی دیگر بسیار دقیق و مستلزم وسایل و دستگاههای مختلف الکترونی سنجش شنوایی است . از جمله روشهای متداول و بسیار ساده سنجش شنوایی استفاده از « ساعت » است . آزمایش کننده یا معلم ساعت را (معمولاً ساعت بغلی) از فاصله ای دورتر به طور آهسته به طرف گوش شاگرد نزدیک می نماید و از او می خواهد به محض اینکه صدای « تیک تیک » ساعت را شنید اعلام نماید .

این آزمایش به طریق معکوس نیز انجام می گیرد ، یعنی معلم ساعت را ابتدا در نزدیکی گوش دانش آموز قرار داده و بتدریج و بآهستگی ساعت را از گوش دانش آموز دورتر می سازد و از آزمایش شونده می خواهد که هر وقت ، دیگر صدای « تیک تیک » را نشنید معلم را مطلع نماید .

این آزمایش ساده (اما غیر مطمئن) برای گوشهای چپ و راست شاگرد به طور جداگانه انجام می شود . بدیهی است این روش همان گونه که ذکر شد بسیار ابتدایی بوده و هرگز نمی تواند در جهت ارزیابی و تشخیص دقیق اختلالات شنوایی مورد استفاده قرار گیرد . گاهی نیز به علت دقت کم و وجود عواملی از قبیل سرو صداهای جانبی ،

مقایسه های غیر مناسب بین شاگردان و غیره ممکن است موجب قضاوتهای نا صحیح شود . البته معلم باید در ارزیابی و کیفیت هرگونه اختلال شنوایی در شاگردان توجه و دقت لازم را معمول داشته و اقدانات لازم را در مراقبت های پزشکی و جایگزینی شاگرد در کلاس بعمل آورد . قدر مسلم برای شاگردان مدرسه که معمولا برای سنجش شنوایی خود نزد پزشکان گوش نمی روند ، مدرسه ، فرصتی است که با تست ها و وسایل دقیق دیگر شنوایی آنان مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد .

در هر حال معلم می بایست به حالات و علائمی که احتمالا نشانه هایی از اختلال شنوایی در شاگرد است توجه داشته وبدون جهت از قضاوتهای نادرست در مورد شاگرد اجتناب نماید .تاخیر در پاسخ ، تقاضای مکرر از معلم برای تکرار مطالب و گاه بی توجهی و بازیگوشی همواره نمی بایست به عقب ماندگی ذهنی وکندی هوش و یا شیطنت و اخلاگری و ... تداعی شود . شاید شاگرد بخوبی نمی شنود و اشکال در همین باشد . در این رابطه از جمله رفتارها و علائم احتمالی اختلال شنوایی عبارتند از:

دانش آموز با آنکه صدای معلم برای فضای کلاس مناسب و قابل شنیدن است غالبا از معلم تقاضای تکرار مطالب را می کند و یا از همکلاسی کنار دست خود می پرسد « چی گفت » « چی » و ... وقتی می خواهد خوب به مطلبی گوش کند سعی می نماید سرو گوشش را به طرف صحبت کننده بچرخاند و یا دستش را کنار گوشش می گذارد . دانش آموز در صحبت کردن همواره از یک آهنگ مناسب برخوردار نیست ، معمولا بلند و یا آهسته صحبت می کند .

دانش آموز گاهی دچار بی علاقه‌گی می شود و در فعالیتهای گروهی و کلاس ، شرکت فعال ندارد .

از نظر خواندن ودیکته نوشتن ضعیف است ، در پاسخ به سئوالات معلم و دیگران معمولا با مشکل روبروست ، برای آنکه بخشی از صحبتهای مخاطب را بخوبی شنیده و درک نمی نماید و در مقابل سئوالات ناقصی که درک کرده ناگزیر به شیوه ای مختلف عکس العمل نشان می دهد . او بسیار حساس است ، گاهی از اینکه مرتب از معلم یا همکلاسی اش بخواهد سئوال ومطلبش را تکرار نماید و یا بلند تر صحبت نماید ، خجالت می کشد (در واقع حتی اگر خودش قبول کرده باشد که از نظر شنوایی دچار اشکال است بسادگی مایل نیست که دوستانش متوجه شوند که او خوب نمی شنود و یا اینکه خودش بگوید که « گوشم سنگین است » زیرا که همین جمله کافی است که احتمالا مورد استهزاء عده ای قرار گیرد که او را دیگر همچون خود نبینند و با مشخصه نقص شنوایی و یا کری صدایش کنند) . در نتیجه گاهی پاسخهای نادرست می دهد و دلیل چنین پاسخهای نا درست نه از بابت تنبلی و کند ذهنی است و نه لجاجت بلکه معمولا به همان دلیل درست متوجه نشدن سئوال است . زمانی در پاسخ سئوالاتی که از او می شود مطالبی کاملا نا مربوط و گاه نا مطلوب می گوید که خود موجب تعجب و یا خنده دیگر شاگردان می شود که این خود عاملی است در بهم خوردن نظم و ترتیب کلاس و عکس العمل احتملا حاد معلم . البته گاهی هم (خیلی بندرت) شاگردانی در کلاس درس یافت می شوند که هم دچار اختلال شنوایی هستند

و هم ضعف بینایی، و ممکن است در ظاهر و نگاه اول این قبیل شاگردان هیچ گونه تفاوتی نداشته باشند.

بنا برین وظایف و مسئولیت های خطیری در رابطه با شناسایی و ارزیابی دانش آموزان، بویژه آنانکه دارای اختلالات شنوایی (و نیز بینایی) هستند بر عهده معلمان می باشد. این قبیل دانش آموزان نیاز به مراقبتهای لازم پزشکی (و استفاده از سمعک در صورت لزوم)، مشاوره و راهنمایی، احتمالاً برنامه های آموزش انفرادی (جهت رفع اشکالات تحصیلی در کلاس) و غیره دارند معلم باید در جای گزینی صحیح این دانش آموزان دقت های لازم را مهول داشته باشد. بدیهی است دانش آموزانی که در شنیدن مطالب دچار مشکل هستند، بهتر است در ردیفهای جلوی کلاس جایگزین شوند. به نحوی که اگر قدمشان بلند باشد مانعی برای دیگر شاگردان نباشند. اگر چنانچه دانش آموزی در گوش چپ داررای اختلالاتی است بهتر است در سمت چپ کلاس قرار گیرد. به طوری که گوش چپ او (که دچار اختلال شنوایی است) کنار دیوار بوده و گوش راست و فعال او در جهت فضای آموزشی کلاس باشد. آری، معلمی بدلیل همین مسئولیتها و رسالتهای سنگین است که شایسته اعتبار و ارزش زایدالوصف و پرجی است.

روشهای آموزش و پرورش دانش آموزان ناشنوا

از زمان قدیم روشهای مختلفی در تعلیم و تربیت دانش آموزان ناشنوا متداول بوده است. هر یک از این روشها مدتها مورد بحث و بررسی دست اندرکاران تعلیم و تربیت ناشنویان بوده و تا کنون در اتخاذ یک روش خاص آموزشی برای دانش آموزان ناشنوا

اتفاق نظر در بین صاحب نظران آموزش ناشنوایان مشاهده نشده است . در حالی که همه معلمان را عقیده بر این است که صحبت کردن و لب خوانی دانش آموزان ناشنوا از اهمیت بسزایی برخوردار است . در اینکه آیا آموزش زبان اشاره و روش هجی کردن با دست در تحصیل زبان و رشد مهارت های زبانی موثر است ، یا مانع از آن است میان متخصصان تعلیم و تربیت و صاحب نظران آموزش ناشنوایان کماکان اختلاف نظر است . در اینجا بطور خیلی خلاصه به روش های متداول در آموزش ناشنوایان اشاره می شود .

۱- روش زبانی (شفاهی)

با این روش سعی می شود که دانش آموزان ناشنوا صحبت کردن و لب خوانی را بیاموزند و تحصیلات خود را با این روش طی نمایند .

این روش امروزه ، متداول ترین روش های آموزشی دانش آموزان ناشنواست و بیشترین طرفدارن را دارد . مدافعان این روش اعتقاد دارند که می بایست که تمامی تماسها و برقراری ارتباط با کودکان و دانش آموزان ناشنوا، در کلاس درس ، خانواده ، اجتماع . و در میان جمع ناشنوایان منحصرا به وسیله صحبت کردن و لب خوانی باشد . پیشروان و پیروان این روش را عقیده و اصرار بر این است که همه کودکان ناشنوا قادرند بخوبی مهارت های زبانی (صحبت کردن) را بیاموزند آنها عقیده دارند که استفاده از روش هجی کردن با انگشتان و زبان اشاره باعث کنندی و یا وقفه در رشد طبیعی و تحصیل مهارت های زبانی و صحبت کردن می شود .

تربیت شدگان این روش در اثر تقویت حس گویایی و تمرین مستمر در حرف زدن
بسهولت قادر خواهند بود که با همه مردم در اجتماع احساس هم‌رنگی و راحتی نموده
و بسادگی متوجه صحبت دیگران شده (لب خوانی) و صحبت نمایند .

۲- زبان اشاره و روش هجی کردن با انگشتان

(روش دستی)

در این روش تاکید بر استفاده از الفبای دستی و زبان اشاره به عنوان وسیله آموزش و
پرورش دانش آموزان ناشنوا در کلاس درس و شیوه برقراری ارتباط بین افراد ناشنوا می
باشد . در واقع در این روش چشمان شاگرد جای گوش او را می گیرد . کودکان و دانش
آموزان با آموزش زبان اشاره فقط از طریق اشاره قادر به بیان مقصود خود و تفهیم آن
به مخاطب هستند . البته ولو اینکه با این روش افراد ناشنوا می توانند با همدیگر تقریباً
به راحتی و با زبان اشاره ارتباط برقرار نمایند ، در هر حال این قبیل از افراد ناشنوا از
هدف کلی آموزش و پرورش که سازگاری با اجتماع و برقراری روابط موثر و مفید با
افراد جامعه است باز خواهند ماند . زیرا همه مردم زبان اشاره نمی دانند پس بهتر که
افراد ناشنوا صحبت کردن با دیگران را بیاموزند .

لزم به یادآوری است که امروزه این روش بتنهایی مقبول و مرسوم نمی باشد .

روش مختلط یا جامع (ترکیبی)

در این روش سعی می شود که با ترکیب پیوسته و واحدی از مفاهیم روشن زبانی و
شیوه زبان اشاره و هجی کردن با دست ، به طور جامع با دانش آموز ناشنوا ارتباط

برقرار نمود و در امر آموزش و یادگیری او کوشید . در واقع تاکیدی است بر حقوق معلم و دانش آموز نا شنوا که با استفاده از همه روشهای برقراری ارتباط در توسعه و رشد مهارتهای زبانی (صحبت کردن) و درک معانی و مفاهیم و بیان مطالب بکوشید . این شیوه آموزش شامل ، اشارات ابداعی شاگرد ، تشریح و تفصیل مطالب ، صحبت کردن ، لب خوانی ، هجی کردن با دست ، علائم رسمی ، خواندن و نوشتن می باشد . مدافعان این روش را عقیده بر این است که استفاده از این شیوه آموزشی به علت جامع بودن آن ، بر نیازها و توانایی های فردی دانش آموزان ناشنوا مبتنی است و تسهیلات و فرصتهای لازم برای حد اعلاى رشد توانیى ها و مهارتهای زبانی و صحبت کردن دانش آموزان ناشنوا فراهم می گردد .

چگونگی طرح و برنامه ریزی آموزشی ، روشها و موارد آموزشی ویژه کودکان و دانش آموزان ناشنوا در مراحل مختلف سنی ، قبل از دبستان ، دبیرستان و همچنین برنامه های تحصیلات عالی (دانشگاهی) و آموزشهای خاص فنی و حرفه ای دانش آموزان ناشنوا نیاز به مبحثی جداگانه و مستقل دارد . آنچه که در این فصل بطور خلاصه بدان اشاره شد صرفا کلیاتی بود در جهت آشنایی عمومی معلمان و اولیاء با کودکان و دانش آموزان ناشنوا . پرواضح است همانگونه که پیشتر نیز اشاره گردید ، پدران و مادرانی که دارای کودکان ناشنوا هستند مسئولیت خطیری بر دوش دارند . نحوه رفتار اعضای خانواده بویژه مادر با کودک ناشنوا در رشد عاطفی و سازگاری اجتماعی و آمادگی آموزش مهارتهای زبانی و تحصیلی بسیار مهم و تعیین کننده می باشد . ماردی که صاحب کودک ناشنواست و کودک او در مرحله سنی صحبت کردن است ، اما سخنی

نمی گوید ، نمی داند با چنین کودکی چگونه رفتار نماید و چطور با او صحبت نموده و ارتباط برقرار کند . کودک خود را برای بازی و برقراری ارتباط با دیگر همسالانش چگونه راهنمایی کند . بویژه آنکه برقراری ارتباط با کودک تا قبل از دبستان تجاربی است پرارزش برای کودک و این تجارب چنانچه بر اصول صحیح استوار باشد می تواند مقدمه ای باشد برای تحصیل در دبستان و آموزش مهارت های زبانی و تحصیلی . اگر هر گاه چگونگی برقراری ارتباط مادر با کودک ناشنوایش از بدو تولد تا سن آغاز دبستان بر پایه و اصول صحیحی بنا نشده باشد ، به عبارتی دیگر اگر روش برقراری ارتباط مادر با کودک مطابق و یا درجهت روشهای متداول آموزش دانش آموزان ناشنوا نبوده باشد ، آغاز مرحله اول دبستان کودک از آن جهت که به چنین شیوه های برقراری ارتباط (روش متداول در مدرسه) چندان آشنایی نداشته و تجربه ای نیندوخته است ، بسیار سخت و ناگوار خواهد بود . در چنین شرایطی کودک از نظر رشد ذهنی از دیگر همسالان خود ضعیف تر خواهد بود و حبران آن بسهولت امکان پذیر نخواهد بود . ج ای هیچ گونه شک و تردید نیست که مادر باید کودک ناشنوای خود را طوری تربیت کند و بار آورد که آغاز برنامه های آموزشی دبستان دنباله روشهای تربیتی و آموزشی خانه باشد و نه اینکه مدت زمانی زحمات و تلاشهای معلم در ابتدای کار صرف تصحیح آموخته های نا صحیح خانواده گردد . این نکته بویژه در رابطه با کودکان و دانش آموزان ناشنوا کاملاً منطبق و اصولی است . در نهایت با توجه به نکات فوق و مسئولیت والدین ، بویژه مادران کودکان ناشنوا ، طرح و تنظیم و ارائه خدمات آموزشی و مشاوره و راهنمایی جهت خانواده هایی که دارای کودک استثنایی هستند (بویژه ناشنوا و نابینا)

**جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید**

از جمله وظایف و مسئولیت های اولیای آموزشی و پرورشی و بهزیستی است . بدیهی است برنامه های آموزشی و مشاوره ای والدین در عین حالی که آنان را در حل مشکلات فعلی و نحوه رفتار با کودکان استثنایی شان یاری می نماید و موجبات آسایش فکری و عاطفی خانواده را فراهم می سازد ، در دراز مدت سبب خواهد شد که بطور قابل ملاحظه ای تعداد کودکانی که به نحوی از انحاء دچار اختلالات حسی و حرکتی و هوش هستند کاهش یابد .

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: Fathollah
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/11/2012 8:35:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/11/2012 8:35:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 15
Number of Words: 2,485 (approx.)
Number of Characters: 14,171 (approx.)